

• المجتمع الإيماني الواعي لفكرة الثورة الإلهية:

• جامعة ایمانی هوشیار برای اندیشه انقلاب الهی:

أي أن لا يكون في المجتمع عدد من المنافقين كبير بحيث يؤثر على المجتمع الإيماني تأثيراً يؤدي به إلى الانحراف الكامل، خصوصاً في أوقات الإلتحام القتالي في الجهاد لإعلاء كلمة الله، أو أن يكون هناك عدد من المؤمنين الواعين لفكر الثورة الإسلامية مهيمنون على المجتمع الإيماني المتقبل لهم وذلك بطرح الحق بشكل رصين وتعريف المجتمع الإيماني بالحق وأهله، وبذلك تتحجم خطورة النفاق بالوعي للحق وأهله من قبل كثيرين في المجتمع الإيماني، فلا يحصل الانحراف الكامل بسبب النفاق وأهله، وطبعاً هذا غير متحقق مع وجود الفرقة ومع هيمنة أهل الباطل وقلة أهل الحق.

یعنی در جامعه تعداد منافقان آن قدر زیاد نباشد که بر جامعه‌ی ایمانی چنان تأثیر بگذارد که آن را به انحراف کامل سوق دهد، به خصوص در مواقع همبستگی برای جنگ در جهاد برای برافراشتن کلمه‌ی الله؛ یا تعدادی از مؤمنان آگاه و هوشیار برای اندیشه‌ی انقلاب اسلامی بر جامعه‌ی ایمانی که پذیرای آنها است، مسلط باشند و آن هم با مطرح کردن کلمه‌ی حق به صورتی راسخ و استوار و شناسانیدن حق و اهلس به جامعه‌ی ایمانی؛ و به این ترتیب خطر نفاق با آگاهی دادن درباره‌ی حق و اهلس توسط بسیاری از افراد جامعه‌ی ایمانی، کاهش می‌یابد و در نتیجه انحراف کامل به سبب نفاق و اهلس به وجود نمی‌آید، که به طور طبیعی با وجود تفرقه و با تسلط اهل باطل و کم بودن اهل حق، چنین منظوری محقق نمی‌گردد.

قال تعالى:

﴿وَمَا أَمَّنْ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (1).

﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾ (2).

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ﴾ (3).

1- هود: 40.

2- سبأ: 13.

3- ص: 24.

حق تعالی می‌فرماید:

((و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند)) (۴).

((و اندکی از بندگان من سپاس‌گزارند)) (۵).

((مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و اینان نیز

اندک هستند)) (۶).

وقال تعالی:

﴿وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (7).

﴿فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (8).

و حق تعالی می‌فرماید:

((و آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است حق است؛ ولی بیشتر

مردم ایمان نمی‌آورند)) (۹).

((پس در آن تردید مکن؛ که آن، حق است و از جانب پروردگارت آمده،

ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند)) (۱۰).

ولكنه يتحقق بفضل الله مع استمرار الجهاد والقتال لإعلاء كلمة الله، وربما يتحقق بعد ذلك وبعد مدة ليست بالقليلة كما هو الحال مع الإمام علي ع والإمام الحسين ع، فقلة وعي المجتمع لفكرة الثورة الإلهية لا يكون مانعاً للجهاد والقتال لإعلاء كلمة الله، ولكنه يكون عائقاً وعقبة تزول مع الوقت، بل إن فيه امتحاناً للمؤمنين ولحالهم ومدى يقينهم ورسوخ إيمانهم بالقتال لإعلاء كلمة الله مع ولي الله وخليفته في أرضه أو من ينصبه هو ع للقيام بهذا الأمر.

اما به فضل خداوند با استمرار جهاد و پیکار برای برافراشتن کلمه‌ی الله، این منظور محقق می‌شود، و چه بسا پس از آن و یا پس از مدتی نه چندان کوتاه محقق گردد،

۴- هود: ۴۰.

۵- سبأ: ۱۳.

۶- ص: ۲۴.

7- الرعد: 1.

8- هود: 17.

۹- رعد: ۱.

۱۰- هود: ۱۷.

همان‌طور که برای امام علی ع و امام حسین ع وضعیت، چنین بود. پس اندک بودن هوشیاری جامعه برای تفکر انقلاب الهی مانعی برای جهاد و مبارزه برای برافراشتن کلمه‌ی الله نمی‌باشد، اما عامل بازدارنده و مانعی است دشوار که به مرور زمان از بین می‌رود؛ و حتی در آن امتحانی برای مؤمنان، وضعیت‌شان، میزان یقین‌شان و راسخ بودن ایمان‌شان برای پیکار در راه برافراشتن کلمه‌ی الله همراه ولی خدا و جانشین او در زمینش یا کسی که او ع برای قیام به این مهم منصوب می‌کند، وجود دارد.

فالوقوف عكس التيار ليس بالأمر اليسير ولكنه حال جميع الأنبياء والمرسلين ومن اتبعهم من المؤمنين، فلم يستقبل قوم نبياً بالأحضان كما هو بين في القرآن والكتب السماوية، ولم ينهض معه قومه للقتال وإعلاء كلمة الله ولكن آمن معه قليل، ونصره قليل، أو كما يعبر عنهم العلماء غير العاملين:

ایستادگی در برابر جریان غالب، کار ساده‌ای نیست اما وضعیت انبیا، فرستادگان و مؤمنان پیروان‌شان به همین صورت بوده است. همان‌طور که در قرآن و کتاب‌های آسمانی آمده است، هیچ قومی با آغوش باز پذیرای پیامبری نشد، و قوم آن پیامبر یا فرستاده نیز برای پیکار و برافراشتن کلمه‌ی الله با او همراه نشدند؛ تنها اندک شماری به او ایمان آوردند، و اندک شماری یاری‌اش نمودند؛ یا همان‌طور که از آنها به علمای بی‌عمل تعبیر می‌شود:

﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَيْدِي الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾ (11).

((مهتران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز انسانی همانند خویش نمی‌بینیم، و نمی‌بینیم که جز فرومایگان قوم ما، افراد ضعیف‌الرأی از تو پیروی کنند، و نمی‌بینیم که شما را بر ما فضیلتی باشد، بلکه شما را دروغ‌گو پنداریم)) (۱۲).

فمع طالوت ع يعبر النهر فقط (۳۱۳) رجلاً، وهم أيضاً العدة التي مع رسول الله ﷺ في بدر، وهم أصحاب القائم أيضاً، قال تعالى:
بنابراین همراه طالوت ع فقط ۳۱۳ تن از نهر می‌گذرند، و این تعداد، همان تعداد

یارانی بودند که در بدر با رسول خدا ﷺ حضور داشتند، و همان تعداد اصحاب قائم نیز می‌باشد. حق تعالی می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (13).

((چون طالوت سپاهش را به راه انداخت، گفت: خداوند شما را به جوی آبی می‌آزماید؛ هر که از آن بخورد از من نیست و هر که از آن نخورد یا تنها کف دستی بیاشامد از من است. همه جز اندکی از آن نوشیدند. چون او و مؤمنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند، گفتند: امروز ما را توان جالوت و سپاهش نیست. آنانی که یقین داشتند که با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا باکسانی است که صبر پیشه می‌کنند * چون با جالوت و سپاهش روبه‌رو شدند، گفتند: ای پروردگار ما! بر ماشکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز فرما!)) (۱۴).